

چرا بانک مرکزی به دنبال نظام تک نرخی ارزی است؟

حسین عبده تبریزی: سیستم چند نرخی ارز غیر از دامن زدن به فساد گسترده به معنای ناپایداری و عدم ثبات در بازارهای مالی و حتی بخش واقعی اقتصاد است. علاوه بر کسب و کارهای تولیدی، صنعت بانکداری نیز به طور جدی در معرض آسیب‌های ناشی از تلاطم افسارگسیخته‌ی نرخ طلا و ارز قرار دارد. انگیزه‌ی سفته‌بازی پول تقاضای نگهداری ثروت به اشکال نقدتر را تحریک می‌کند. چنین انگیزه‌هایی، پول‌های داغی ایجاد می‌کند که سطح منابع قابل اتکای بانکی را به نسبت پایین می‌آورد، چرا که پول‌های داغ ذخیره‌ی نقدینگی بالایی می‌طلبند. بدین ترتیب بانک‌ها هزینه‌ی پول‌هایی را می‌پردازند که مجبورند قسمت قابل توجهی از آن‌ها را ذخیره کنند. وضعیتی که به وضوح در میان بانک‌های کشور قابل مشاهده است. پیامد مستقیم افزایش ذخیره‌ی نقدینگی، افزایش هزینه‌ی وجوه بانک‌های کشور است. بدین ترتیب، رقابت نهادهای فعال در بازار پول به کمک اهرم آشفته‌ی بازار ارز، باز هم هزینه‌ی وجوه بانک‌ها را افزایش می‌دهد. برای مقابله با کاهش انگیزه‌های سفته‌بازی ارز، بانک مرکزی ناچار است ارز را تک‌نرخی کند.

نظام چند نرخی ارز به سرمایه‌گذاری مردم در بازارهای سوداگری نیز می‌انجامد. مثالی تاریخی بزنم. در زمستان ۱۳۹۰، وقتی دامنه‌ی سوداگری در ارز و طلا از معامله‌گران، سفته‌بازان، و حرفه‌ای‌ها به افراد عادی تسری یافت، و عامه‌ی مردم هم آماده شدند زندگی معمول خود را رها کنند تا با فروش وسیله‌ی نقلیه و فرش زیر پای خود به معامله‌ی ارز و طلا روی آورند، خطری جدی کل اقتصاد را تهدید کرد که بی‌شک به کارگیری عنوان «بحران» برای آن وضعیت گزافه نبود. در چنین وضعیتی، دور از انتظار نبود که مردم شروع به گردآوری مایحتاج کنند و ذخیره‌سازی برنج و آرد رواج یابد. با شتاب گرفتن قیمت‌های ارز و طلا نشانه‌های تورم لجام‌گسیخته در زمستان سال ۱۳۹۰ بروز کرد: ما امروز در سال ۱۳۹۵ می‌دانیم که ادامه‌ی آن وضعیت پس از سال ۱۳۹۲ می‌توانست اقتصاد ایران را به وضعیتی مشابه با وضع اقتصاد ونزوئلا بدل کند. در عوض، دولت روحانی با تسلط و دانش کامل توانست وضعیت را دگرگون کرده و تورم را تک‌رقمی کند.

غیر از تک‌نرخی کردن قیمت ارز، بانک مرکزی چه کارهایی می‌تواند بکند تا شرایط ثبات اقتصادی مستحکم‌تر شود؟ آیا تصمیم بورس و بانک مرکزی برای راه‌اندازی بورس ارز، چاره‌ی کار است؟

پاسخ به این سؤال مقدماً مستلزم این است که بازار آزاد ارز از جانب بانک مرکزی به رسمیت شناخته شود. تنها با چنین اعتقادی است که شانس بانک مرکزی برای تنظیم بازار ارز کشور افزایش خواهد یافت. از سابقه‌ی اقدامات بانک مرکزی طی دولت قبل این نتیجه حاصل می‌شود که هرگاه بانک مرکزی با اقداماتی خارج از حوزه‌ی تعریف‌شده‌ی سازوکارهای بازار، رسمیت بازار آزاد ارز را زیر سؤال برده است، بازار نیز متعاقباً به اقدامات آن مقام ناظر بی‌توجه مانده و حتی به آن اقدامات دهن کجی کرده است. بازار آزاد ارز قدرتمند است و این توانایی را دارد که نقدینگی قابل توجهی را به سمت خود جلب کند. اگر تخمین ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومانی تخمین قابل اتکایی از حجم نقدینگی کشور باشد، این نقدینگی به‌طور بالقوه توان آن را دارد که ذخایر ارز و طلای بانک مرکزی را بر باد دهد. بنابراین، با رجزخوانی، عرضه‌های کوتاه‌مدت زیرقیمت، بگیرو بند و ... نمی‌توان با این حجم بالقوه از تقاضا مقابله کرد. خوشبختانه بانک مرکزی در دو سال گذشته بازار ارز را به آرامش بسیار قابل قبولی رسانده است.

در حال حاضر، جهت مدیریت منابع ارزی کشور، راه‌اندازی بورس ارز نیز به‌عنوان راه‌حل پیشنهاد و در مورد آن تصمیم‌گیری شده است. در واقع بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌داند که با حفظ نظام چندنرخ ارز، بورس ارز چاره‌ی کار نیست و یا حداقل معتقد است چنین بررسی تسکینی برای وضعیت شکننده‌ی فعلی است.

آیا نظام تخصیص ارز دولتی باید ادامه یابد؟

وقتی می‌گوییم ارز تک‌نرخی شود، یعنی سازوکار تخصیص ارز دولتی که بسیار ناکارآمد است، باید جمع شود. ارز دولتی آنگاه از طریق بانک مرکزی به بانک‌ها و نهایتاً در اختیار واردکنندگان قرار می‌گیرد، و شکاف قابل ملاحظه‌ای میان نرخ بانک و خارج از بانک موجود نخواهد بود. در اختیار داشتن ارز دولتی مزیت اقتصادی مهمی محسوب می‌شود. مزیتی که موجبات شیوع فساد در تخصیص ارز را فراهم می‌آورد. فساد که مانع

تخصیص ارز به اشخاصی می‌شود که شایسته‌ترند. بدین ترتیب حوزه‌های گسترده‌ای از رانت قابل‌شناسایی است. در شرایط ارز تک‌نرخه، راه‌اندازی بورس ارز می‌تواند از یک سو با تعدیل قیمت ارز وارداتی و از سوی دیگر با تمرکز تصمیم‌گیری برای تخصیص ارز، فرآیند تخصیص ارز به متقاضیان را کاراتر نماید. بدین ترتیب مهم‌ترین نقشی که می‌توان برای بورس ارز لحاظ کرد، کمک به افزایش کارایی تخصیصی ارز وارداتی است. در صورتی که سطح دخالت دولت در این بازار مشخص باشد، می‌توان به کارایی اطلاعاتی بورس ارز هم دل‌خوش کرد. چنانچه تسلط سازوکار بازار در تعیین قیمت ارز در بورس مفروض باشد، می‌توان امیدوار بود که بازیگران بورس ارز، اخبار گذشته، موجود و نهانی را در تصمیمات خرید و فروش خود لحاظ خواهند کرد. بر این اساس قیمت‌های ارز در چنین بازاری، بیش از آنکه دولتی و دستوری باشد، بازاری است و آزاد. پیام‌هایی که شفافیت بازار ارز را افزایش می‌دهد و به انسجام قیمت (ارز تک‌نرخه) و کاهش دامنگ خرید و فروش ارز در بازار کمک می‌کند. البته به دلیل فزونی قابل‌پیش‌بینی تقاضای خرید نسبت به عرضه‌ی ارز، انتظار نمی‌رود چنین بازاری بدون دخالت قابل‌ملاحظه‌ی بانک مرکزی به فعالیت خود ادامه دهد.

آیا دولت در بازار ارز نقشی باید داشته باشد؟

اول بگوییم که مزایایی که برای بورس ارز برشمردیم، البته با چالش‌های مهمی مواجه‌اند. چالش‌هایی که ممکن است کلیت تشکیل بورس ارز را زیر سؤال ببرند: آیا صادرکنندگان حاضرند ارز خود را با قیمتی که در بازار تعیین می‌شود در اختیار واردکنندگان قرار دهند؟ آیا قیمت‌های بورس ارز می‌تواند پایین‌تر از قیمت‌های بازار آزاد قرار گیرد؟

برای افزایش کارایی این بازار بانک مرکزی باید نقش خود را در بورس ارز به اطلاع بازار برساند و کمیت عرضه‌های خود را به‌طور شفاف به بازار اعلام نماید. با برآورد میزان ارز در دسترس، تقاضای وارداتی و سفته‌بازی، نیازهای دولت به ریال، و تخمین سایر کمیت‌های مربوطه، دولت مقدار ارز قابل‌فروش را تعیین می‌کند. مثلاً، می‌گوید طی ماه‌های آتی سال ۱۳۹۵، ۱۵ میلیارد دلار به بازار تزریق خواهد کرد. در این صورت

فارغ از این که دولت چه نیازهایی به ریال دارد، باید به فروش ۱۵ میلیارد دلار متعهد باشد. دولت در هیچ شرایطی نباید بیشتر یا کمتر از رقم اعلام شده ارزش بفروشد و در صورت نیاز، باید منابع ریالی خود را از سایر بازارها تأمین کند. در چنین شرایطی که دولت به طور مشخص میزان ارزش متعهد شده را به بازار عرضه می کند، بازار با کارایی بیشتری به قیمت گذاری ارزش می پردازد. این آن نقش اصلی و عمده ی دولت در بازار است؛ دولتی که عرضه کننده ی عمده ی ارزش است.

بانک مرکزی پس از این که به طور شفاف میزان ارزشی را اعلام کرد که مایل است طی سال آینده به بازار تزریق کند، در گام بعدی فروش ماهانه و حتی هفتگی ارزش خود را اعلام می کند. می توان مقدار ارزش سالانه ی قابل فروش را به طور یکنواخت در میان ماه ها و هفته های سال توزیع کرد. بنابراین، بانک مرکزی می تواند به طور شفاف اعلام کند قصد دارد طی ۷ ماه آینده، هر ماه بیش از ۲ میلیارد دلار از قرار هر هفته ۵۰۰ میلیون دلار به بازار عرضه کند.

پیامدهای چنین عرضه هایی از نظرگاه اقتصاد استاندارد و اقتصاد رفتاری قابل پیش بینی است. از آن جا که بازیگران بازار برای دوره ی نسبتاً بلندمدت از منبع عرضه ی خود مطمئن می شوند، برای خرید ارزش عجله نمی کنند. بدین ترتیب تقاضای پرتلاطم و ناهموار ارزش به تقاضایی کم تلاطم و هموار بدل می شود. چنین تقاضایی نوسانات بازار ارزش را کاهش می دهد و بازار را برای ورود به دوره های آرام و کم نوسان آماده می کند. وقتی این عرضه ها از جانب بانک مرکزی به طور جدی روی قیمت های بازار ادامه یابد، بازار فرصت می یابد به جای رفتار غیرمنطقی و غیراقتصادی به رفتار اقتصادی روی آورد و به جای تعجیل به تحلیل پردازد.